

عصارخانه ها و کارکرد اجتماعی آنها مطالعه موردی عصارخانه فرخشهر

آزاده جلالی^۱

بنفشه عباسی^۲

چکیده:

انسان در طول تاریخ همواره برای زندگی کردن، خلاقیت خویش را به خرج داده و سازه‌هایی آفریده است که او را در حل مشکلات یاری می‌کرده است. آثار به جا مانده از حیات اجتماعی در نقاط مختلف ایران، نشان از تاریخی پویا و مردمان سختکوش این مرز و بوم داشته است. از مهمترین بناهایی که نقشی اقتصادی-صنعتی در زمانی نچندان دور داشته عصارخانه‌ها (کارخانه‌های روغن‌گیری) می‌باشند. کارخانه‌هایی پیشرفته، کوچک با ساختارهای پیچیده که موید ویژگی‌های اقتصادی-کشاورزی و صنعتی بوده و از طرفی دارای ساختار معماری جالب و در خور توجه بوده‌اند، غالب بناها امروزه به جهت کاربری خود را دست داده‌اند، متروک شده و در حال ویرانی و فراموشی می‌باشند و امروزه می‌توان با حفظ و احیاء اینگونه بناها هویت‌های فرهنگی-محلی را حفظ نمود و نیز در جذب گردشگر کوشش نمود. عصارخانه صالحی در شهر فرخشهر از توابع شهرکرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری، نمونه‌ای است که علی‌رغم منسوخ شدن شیوه‌های قدیمی روغن‌گیری، در همان شکل و فضا با وسایل برقی و جدید به انجام عمل و روغن‌گیری می‌پردازد، بنایی که هم به جهت معماری و هم به جهت موقعیت جغرافیایی و قابل توجه است. از آنجا که چنین موضوعاتی کمتر مورد توجه بوده است، بخشی از این تحقیق با بررسی میدانی صورت گرفته است. ارزیابی و تحلیل عصارخانه‌ها و مخصوصاً عصارخانه فرخشهر، می‌تواند بخش‌هایی از تاریخ اجتماعی و حتی اقتصادی ایران را روشن سازد.

واژگان کلیدی: عصارخانه، معماری و بنا، تاریخ اجتماعی، فرخشهر شهرکرد

^۱. فارغ التحصیل کارشناسی ارشد تاریخ واحد محلات

^۲. فارغ التحصیل کارشناسی ارشد تاریخ واحد محلات و مدرس دانشگاه آزاد

انسان در جهت تأمین نیازهای خود از آنچه در پیرامونش نیازمند استفاده از ابزار است و صنعت ابزاری بود تا انسان بتواند جهت برآورده کردن نیازهای خود از آن استفاده نماید به مرور زمان، دستاوردهای صنعتی آدمی پخته تر شد و گاهی هنر و صنعت چنان در هم می آمیزد که آثاری بس بدیع را خلق می نماید.

در این میان ایران کشوری است با پیشینه صنعتی و مهندسی پر بار، که با نبوغ ذاتی خود همواره سهمی گران در هنر و صنعت تاریخ داشته اند؛ از بارزترین آثاری که در گوشه و کنار این مرزو بوم از گذشته برایمان به یادگار مانده: آسیاب ها، آسبادهای، عصارخانه ها، بندها، خانه های صخره ای و دست کنده ها که چون شاهدانی خاموش خبر از نبوغ سازندگان و رونق بازار خود در زمانی نچندان دور دارند.

با افزایش جمعیت در جوامع انسانی، آدمی دست به تولید انبوه زده و به طبع نیاز به مکان ها و فضاهای معماری برای تمرکز فن آوری های صنعتی جهت تأمین مایحتاج عموم مردم نیز احساس شد. مکانهایی که امروزه بخشی از میراث نیکان ما هستند، این بناها نه کاربرد مسکونی داشته و نه حکومتی و مذهبی، بلکه نقش مهمی در اقتصاد و معیشت مردم داشته و در عین حال معرف ظرفیت ها و منابع طبیعی اطراف خود بودند و به نوعی جزء بناهای عام المنفعه محسوب می شده اند.

از مهمترین بناهایی که نقشی اقتصادی- صنعتی در زمانی نچندان دور داشته عصارخانه ها (کارخانه های روغن گیری) می باشند. کارخانه هایی پیشرفته، کوچک با ساختارهای پیچیده که موید ویژگی های اقتصادی - کشاورزی و صنعتی منطقه چهارمحال بوده اند و از طرفی دارای ساختار معماری جالب و در خور توجه بوده اند، غالب بناها امروزه به جهت اینکه کاربری خود را دست داده اند، متروک شده و در حال ویرانی و فراموشی می باشند و امروزه می توان با حفظ و احیاء اینگونه بناها هویت های فرهنگی - محلی را حفظ نمود و نیز در جذب گردشگر کوشش نمود.

عصارخانه صالحی در شهر فرخ شهر از توابع شهرکرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری، نمونه ای است که علی رغم منسوخ شدن شیوه های قدیمی روغن گیری، در همان

شکل و فضا با وسایل برقی و جدید به انجام عمل و روغن گیری می پردازد، بنایی که هم به جهت معماری و هم به جهت موقعیت جغرافیایی و قابل توجه است.

استان چهارمحال وبختیاری با مرکزیت شهرکرد از شرق به استان اصفهان از غرب به استان خوزستان از شمال به استان لرستان و از جنوب به استان کهگیلویه و بویراحمد محدود می باشد. فرخشهر از توابع شهرکرد، می باشد که به آن پیوسته بوده و در ۱۲ کیلومتری مرکز آن قرار دارد. فرخشهر تقریباً مستطیل بوده و در منطقه ای کوهستانی واقع شده و در عرض جغرافیایی ۳۲ درجه و ۱۶ دقیقه و طول جغرافیایی ۵۰ درجه و ۵۹ دقیقه (تقریباً ۵۱ درجه) قرار دارد.

این شهر از شمال، جنوب و شرق محدود به کوههای اطراف خود می باشد. از سمت شمال محدود به کوه بابازکی، برات و قلعه ارک که در زبان محلی به آن قلعه قارک می گویند، از سمت جنوب به کوه چفت و سه چاه، از شرق به کوه رخ، رباط، برآفتاب، حاجی، شاه لولاک و پیرکوه است.

"سابقه اسکان جمعیت در مکان امروزی فرخشهر به استناد متون و ابنیه تاریخی موجود به قرن ۵ هجری می شود و از جمله بنای مسجد جامع تخریب شده شهر، شاهدی بر این مدعا است. از تحولات این شهر در فاصله چند قرن گذشته اطلاع چندانی در دست نیست". این شهر به علت موقعیت جغرافیایی مناسب یعنی قرار گرفتن بر سر راه اصفهان - شهرکرد، همراه با تغییر موقعیت سیاسی منطقه به فرمانداری کل و سپس به استان، رشد و گسترش یافته است.

اولین بار در سیاحتنامه ابن بطوطه در سال ۷۲۵ هـ ق از فرخشهر با نام کریوه رخ یاد شده است". (امیرحسینی: ۱۳۸۵؛ ۱۷۵)

در گذشته به فرخشهر قهوه رخ مگفتند. وجه تسمیه های متعددی ذکر شده : اعتقادات محلی بر این است که: «قهفرخ به منزله قفای رخ (رخ نام کوه شرقی و شمال فرخشهر است) وعده ای نیز بر این عقیده اند: فرخ یکی از پادشاهان پیشدادی یا کیانی است که کاخی بنا کرد و کوه اطراف آن را کوه فرخ نامیدند. دسته سوم از اعتقادات محلی بر این باورند که در زمان کیکاووس این محل به نام پرنده ای که رخ نام داشته کاخی ساخته شد و کوه آنرا رخ نامیدند و وقتی در دامنه کوه آبادی ساخته شد آنرا قهفرخ یا کهفرخ

نامیدند. باور های محلی در آخر گفته اند در دامنه کوه رخ یک قهوه خانه وجود داشته که به آن قهوه رخ هم می گفتند.

اما به نظر می رسد نام شهر از کوه رخ در جبهه شرقی شهر گرفته شده است چرا که این کوه بلندترین کوه شهر است و همواره افسانه های متعددی به آن نسبت می دهند . شهرت این شهر در زمانی نه چندان دور مدیون صنعت قالیبافی، جاجیم بافی و گلیم بافی بوده، فرخ شهر اولین محلی در استان بوده که قالیبافی در آن معمول شده اما به دلایلی چون مهاجرت، اشتغال هنرمندان به سایر امور و هجوم کالاهای صنعتی- تجاری به مرور زمان از رونق و شهرت آن کاسته شده است.

عصار خانه در لغت:

در لغت نامه دهخدا :

"عصارخانه جایی است که در آن عصاران بسیار می باشند. جای اجتماع عصاران، جایی که در آن عصار می کنند.

عصاری : شکل و عمل عصار، روغنگیری، دکانی که در آن روغن گیرند و فروشند اسب (گاو) عصار می: اسب یا گاوی که با چشم بسته دور دستگاه روغنگیری می گردانند تا آن را به کار اندازند.

چرخ عصار می: دستگاهی است برای روغن کشی ...

عصار: روغنگیری، منسوب به عصر که روغن کشی از حبوب را می رساند.

روغنگیری کسی که از بذور مانند کرچک و کنجد و جزء آن روغن گیرد. شیره گیر، روغن کش.

چو گاوی که عصار چشمش بیست روان تا به شب، شب همانجا که هست

(سعدی)

سرگاو عصار از آن در ته است که از کنجدش ریسمان کوتاه است

(سعدی)

بزرک: دانه ای است که از آن روغن می گیرند و به عربی کتان گویند. تخم کتان و بر تخم خرد و کوچک روغن بزرک و روغن کتان است". (دهخدا: ۱۳۵۲؛ ج ۳، ع، ۲۳۲)

پیدایش عصارخانه ها

عصارخانه ها (کارخانه‌های روغن گیری)، کارگاه صنعتی بودند که شکل گیری آنها به شکل امروزی به دوره صفویه باز می‌گردد و اولین نمونه های آن در ایران به شکل کنونی در شهر اصفهان بوجود آمده است واز بین عصارخانه های متعدد در این شهر تنها ۴ عصارخانه (عصارخانه کوی قندیل سازها - عصارخانه جماله- عصارخانه شاهی در بازار مخلص و عصارخانه پاسنگ دردشت) باقی مانده است که از بین آنها " عصارخانه کوی قندیل سازها واقع در محله در دشت از همه قدیمی تر است " (بهشتان: ۱۳۵۱؛ ۶) اما این صنعت که نقش مهمی در زندگی روزمره مردم داشته دارای سابقه‌ای طولانی تری در تاریخ است، در بین النهرین در زمان آشوریان صنعت عصارگری وجود داشته است همین طور مصریان و یونانیان باستان در هزاران سال پیش از روغن زیتون استفاده دارویی می‌کردند. ایرانیان نیز با این صنعت از ازمینه قدیم آشنا بوده اندگواه آن کشفیات باستان شناسی در دهانه غلامان در سیستان است که مرکز صنعتی هخامنشیان بوده که در کنار معبد آن اتاق‌هایی بوده که نوعی روغن از دانه های روغنی تولید می‌شده که استفاده آئینی و خوراکی داشته است. (فرشاد:۱۳۶۵؛ ۲۱)

روغن های بدست آمده چه به صورت گیاهی و یا حیوانی در پی سوزها و چراغها جهت روشنائی نیز استفاده می‌شده است، بنابر اعتقادات گذشتگان نور است که می‌تواند ما را از ظلمت و نحوست تاریکی شب برهانند چنانچه در آموزه های دین زرتشت نور و آتش را وسیله نیرومند می‌داند که از نیکان در تقابل آزار بدخواهان نگهبانی می‌کند و موجب سرور و شادمانی و نابودی تیرگی ها و بدی ها می‌گردد. بر همین اساس بود که این صنعت رونق فراوان گرفته و موجب تامین روشنایی و علاوه بر آن جهت تقویت درختان میوه، تغذیه دام‌ها، صابون سازی رنگ آمیزی و تهیه روغن‌های خوراکی بوده است.

تا قبل از آنکه کارخانه های عصارگری در دوره صفویه شکل امروزی به خود بگیرد، کارگاه های کوچک تری به نام چوغونگری وجود داشته که همین کار را صورت می‌داده با این تفاوت که در آنها فقط روغن کرچک و بزرک گرفته می‌شد و روغن گیری در آن به

وسيله دو سنگ آسیا بود که سنگ کوچکتر در داخل سوراخ وسط سنگ بزرگتر قرار می گرفت و بوسیله گاو یا شتر می چرخید، این بناها نمی توانستند روغن زیادی تولید کنند و به سبب نیاز به تولید بیشتر بود که عصارخانه‌ها شکل گرفتند. (پیرنیا: ۱۳۷۴؛ ۶۳)

روغن در عصارخانه‌ها از دانه‌های گیاهانی مانند خشخاش، بزرک، کرچک، کنجد، کیچ بدست می آمد.

فضای عصارخانه‌ها عموماً از فضاهای متعددی مانند آسیاهای عصار، تیرخانه، انبار و شترخان و سنگ‌های آسیا تشکیل شده است، اکثر این بناها دو طبقه بوده اند که اولین بار در شهر اصفهان در دوره صفویه با این نوع معماری ساخته شدند و بعد از آن در شهرهای اطراف اصفهان، یزد، چهارمحال و بختیاری و کرمان نیز ساخته شدند.

نگاهی بر عصارخانه‌های فرخ‌شهر:

عصارخانه‌های متعددی در گذشته وجود داشته اند، اما امروزه ویران شده اند و تنها نام آنها در کتب تاریخی چهارمحال و بختیاری ذکر شده از آن جمله می توان به : ۲ عصارخانه متعلق به حاج رمضانعلی در نزدیکی مسجد جامع، عصارخانه سادات و تورگلی در داخل شهر، عصارخانه شفیعی که در محله درویشان، عصارخانه‌های ولدبیگ که علاوه بر روغن کشی برای خرد کردن حبوبات هم استفاده می شده است، امروزه تنها ۲ عصارخانه باقی مانده است. یکی از آنها در هسته تاریخی شهر و جنب مسجد جامع واقع شده و متعلق به آقای رضوی می باشد که در حال ویرانی است به طوریکه طبقه دوم عصارخانه به طور کامل ویران شده است، و دیگری که سالم و پابرجاست، عصارخانه است متعلق به آقای صالحی و به همین نام. همه عصارخانه‌های شهر به جزء عصارخانه صالحی همه در مرکز و محدوده داخل شهر واقع شده بودند. (امیرحسینی: ۱۳۸۵؛ ۲۵۲-۲۵۳)

دانه‌های روغنی که در عصارخانه‌های فرخ‌شهر، روغن گیری می شدند بیشتر بزرک و کوچک بودند چون این دانه‌ها در خاک منطقه به خوبی کشت می شد، استفاده این گیاه بیشتر جهت روشنایی در گذشته بود. به طوریکه به آن روغن چراغ هم می گفتند و کشیدن بر روی درهای چوبی برای جلوگیری از تاب دار شدن آنها مورد استفاده قرار

می گرفت و امروزه این روغن که بیشتر در کارهای نقاشی، رنگ آمیزی، مصرف غذایی دام و کودهای گیاهی استفاده می شود.

عصارخانه صالحی فرخشهر:

همانگونه که در قبل ذکر شد عصارخانه صالحی تنها بنایی است که با فعالیت گذشته هنوز در این شهر پابرجاست و مشغول به فعالیت صنعتی خود می باشد؛ این بنا در مسیر جاده اصفهان به شهرکرد پشت به کوه قلعه ارک (قلعه قارک) و در دل کوه کنده شده است، در کنار بنا قبرستانی واقع شده که تاریخ بعضی از قبور آن به ۱۲۹۹ می رسد و نشان می دهد که در جایی خارج از محدوده مسکونی در گذشته احداث شده است، و در حالی ساخته شد که پیش از آن عصارخانه‌های متعددی در شهرهای مختلف استان مانند شهرکرد و خود فرخشهر ساخته شده بود که اکنون اثری از آن ها نیست به جز یک عصارخانه که در مرکز شهر و جنب مسجد جامع قرار گرفته و متروک و در حال ویرانی است. بنای عصارخانه صالحی بر خلاف معماری معمول بیشتر عصارخانه ها که به صورت ۲ طبقه بوده اند در یک طبقه ساخته شده و انبارها که در بیشتر عصارخانه ها در طبقه دوم قرار دارد در این عصارخانه در سطح زمین واقع شده است که این احتمالاً به سبب موقعیت جغرافیایی بنا است که در داخل کوه واقع گردیده است از جهت ایمنی و استحکام بنا بهتر بوده که بنا در یک طبقه ساخته شود، علاوه بر آن این واقع شدن بنا در دل کوه القاء کننده آن است که کوه بنا را در آغوش گرفته است. این ویژگی منحصر بفرد بگونه ای است که صخره های طبیعی کوهها در قسمت عقب بنا تا ارتفاع ۲/۵ متر بکار گرفته شود و فضای معماری در دورن توده ای از سنگ قرار بگیرد و در اطراف بنا نیز یک قشر مستحکم سنگی ایجاد شده که مانند حصاری دور تا دور بنا را احاطه کرده است. چنین بناهای با کالبد سنگ کوه ها، بنای است مستحکم که در طول زمان آسیبی به آنها وارد نشده است و وجود موقعیت مکانی باعث به شیب دار شدن بنا گردیده است (تصویر ۱) به طوریکه در قسمت تیرخانه در قسمت های عقب ۲ متر خشت خورده و بقیه دیوار سنگ است و در جلو ۷ متر خشت خورده و حدود ۰/۵ متر سنگ می باشد. مصالح بکار رفته در بنا به جزء قسمت هایی از دیوار ه های شرقی، غربی و بیشتر شمالی بنا که

از سنگ است بقیه از خشت، آجر و چوب ساخته شده است که چوب برای غلبه بر نیروهای کششی در بنا استفاده شده است.

این بنا به صورت مربع و با ابعاد 26×26 متر در جهت شمالی-جنوبی قرار گرفته است بر طبق گفته صاحبان کنونی عصارخانه، چهار بردار به نام های "سید قاسم، سید اسماعیل، سید احمد و سید ابراهیم صالحی" با هم این عصارخانه را ساختند که در حال حاضر ۲ برادر (سید احمد و سید ابراهیم) در قید حیات می باشند بر اساس کتیبه موجود در سر در عصارخانه بنا در سال ۱۳۳۳ ساخته شده که ابتدا فضای آسیاها و تیرخانه و سپس ۲ سال بعد شترخان و انبار احداث گردید (تصویر 2). البته در بیشتر منابع و کتاب های تاریخی، تاریخ ۱۳۱۱ را برای بنا ذکر شده، این تاریخ مربوط به زمانی است که سنگ های آسیای عصارخانه از عصارخانه میر اصفهان خریداری شده و به این محل انتقال یافته است. در حال حاضر عصارخانه صالحی به وسیله فرزندان آنها اداره می گردد. ودانه های آفتابگردان از اراک و مشهد برای روغن گیری آورده می شود. (امیرحسینی: ۱۳۸۵؛ ۲۵۴)

شکل بنا به صورت مربع است که هر ضلع آن ۲۶ متر بوده و دارای ۳ ورودی در جبهه جنوبی است که مربوط به فضای آسیاها، تیرخانه ها و شترخان و انبار می شود. ورودی اول و سوم $3/5 \times 2/40$ متر و به صورت قرینه می باشند و هر دو از دو لنگه در، از چوب چنار با همان شکل درهای قدیمی ساخته شده اند، اما ورودی وسط ابعاد آن $1/20 \times 2/20$ متر در سالهای ۱۳۶۵ یا ۱۳۶۶ دچار آتش سوزی شده و آسیب جدی دیده است کف بنا نیز از سنگ بوده که امروزه جهت سهولت کار و رفت و آمد بعضی قسمت ها را کاهگل کرده و روی بعضی قسمت ها مانند پاچال خمره ها^۱ و تیلو ها^۲ را پوشانده اند.

^۱ گودالی است در فضای تیر خانه در کف زمین که در داخل آن خمره های سفالی تعبیه می شد و روغن دانه ها در درون آن سرازیر می گردید.

^۲ استوانه ای چوبی که کوبی های (سبدهای حصیری) حاوی دانه های روغنی در داخل آن قرار داده میشد و در گودالی در داخل زمین قرار گرفته بود.

این بنا دارای فضایی کاملاً صنعتی بود و فاقد تزئینات می باشد به نوعی سیر تحولی معماری صنعتی ایران را از زمان صفویه تا کنون را نشان می دهد به طوریکه در ابتدا برای روغن گیری از تیرهای عصاره استفاده شده، پس از حدود سال ۱۳۵۰-۱۳۵۵ از دستگاه پرس فلزی و امروز از وسایل برقی در حد یک کارگاه کوچک صنعتی استفاده می شود.

فضاهای معماری عصارخانه صالحی:

فضای آسیابها

این فضا خود به سه قسمت مجزا تقسیم می شود: استراحتگاه، آسیای شماره ۱ و آسیای شماره ۲، این بنا به گونه ای است که وقتی از ورودی اول که در سمت غرب بنا است وارد می شویم یک فضای توقف به صورت چلیپا شکل وجود دارد که در گذشته در سمت غربی این فضا که رو به دیوار بوده یک سکو، جهت استراحت کارگران وجود داشته است، که در حال حاضر برداشته شده و به جای آن دفتر کار عصارخانه ایجاد شده، سقف این قسمت با روش ۴ بخشی و به وسیله آجر ساخته شده است که امروزه به جای سکوی استراحت کارگران دفتر عصارخانه ایجاد شده، از این قسمت یک ورودی اندازه $۲/۳۰ \times ۱/۵$ متر رابه فضایی دیگر که تیرخانه می باشد متصل می کند، سپس وارد فضای آسیای شماره ۱ که بزرگتر است و شعاع آن ۴ متر است می شویم این قسمت دارای سنگهای بزرگتر بوده است که بار بیشتری می داده اند، فضایی گرد با پوشش کلمبو دارد و مصالح آن از آجر است که در این فضا تاقچههایی در ۴ طرف فضا قرار گرفته است، در وسط فضا در گذشته سنگ آسیای با ارزشی وجود داشته که امروزه آن را برداشته و به دیوار تکیه داده اند، این سنگ از جنس سنگ های کوه لاسو^۱ است که در ورودی آسیا به کار می رفته و دارای حجاریهای بسیار نفیس و کم نظیری متعلق به عصارخانه میر در اصفهان و دوره صفویه می باشد. که به علت خیابان کشیها و خراب

^۱ کوهی نزدیکی اردستان در استان اصفهان که منحصراً سنگ های محکمی دارد و سنگ های آسیابهای شتر، گچ سایی، آسیاب های آبی از این کوه بوده اند.

شدن عصارخانه ی میر، سنگ ها خریداری شده و به این محل منتقل گردیدند، قطر سنگ ۲ متر است و مضامین سنگ بدین شرح است :

غرض نقشی است کز ما بازماند **که هستی را نمی بینم بقایی**
مگر صاحبدلی روزی برحمت **کند در حق درویشان دعایی**

در یک طرف سنگ نقر شده و در طرف دیگر آن عبارت «عمل فقیر محتاج به رحمت خدا حاجی علی اکبر ولد استاد جونعلی بنا به تاریخ شعرالرمضان المبارک به اتمام رسید» نقر گردیده است.

نور این فضای تاریک تنها از هورنو سقف تامین می گردد ، امروزه این فضا جهت دستگاههای برقی کوچک که جایگزین سنگ و تیرها شده اند فضای اصلی محسوب می شود و تنها فضایی است که بین آن و تیرخانه ورودی ندارد.

از این قسمت بوسیله یک ورودی به ابعاد $2/30 \times 2/30$ وارد فضای آسیای دوم می شویم که از قسمت اول کوچکتر است. این محل امروزه دست نخورده باقی مانده و سنگ های آسیا در جای خود قرار دارند، تنها برای سهولت رفت و آمد حدود ۱ متر از سنگ زیر بن تراشیده شده است. قطر این سنگ قبل از تراشیده شدن $4/30$ متر بوده و در حدود 70 سانتیمتر بالاتر از سطح کف عصارخانه روی ستونی سنگی و روی آن سنگ دیگری با قطر $1/5$ متر قرار دارد (تصویر ۳).

سقفها مانند فضای قبلی پوشش کلمبو هستند. در دیوار طاقچه و علاوه بر آن یک نورگیر کوچک مربع شکل با فاصله ۲ متری از کف واقع شده است، یک ورودی دیگر به ابعاد $2/36 \times 1/23$ فضای آسیای دوم را به تیرخانه متصل می کند.

خوشبختانه در آسیای شماره ۲ به جهت کوچک بودن این فضا دایره ای شکل که شعاع آن $3/35$ متر است و عیارغم اینکه $1/10$ از سنگ آسیای زیرین بریده شده فقط $1/11$ فضا برای رفت و آمد باقی مانده است و استفاده چندانی از این فضا نمی گردد بنابراین شکل سنگ های آسیا دست نخورده باقی مانده و می توان طرز کار آنها را بهتر مجسم نمود. سنگ های آسیای در فضای اول مانند معمول بیشتر آسیاهای عصارای سنگ زیرین از سنگ رویی کوچکتر است، اما در دوم سنگ زیرین بزرگتر از سنگ رویی است، روش

کار سنگ‌ها در فضای دوم بهتر قابل بازسازی است، چرا که در این فضا سنگ‌ها آسیا جابجا نگردیده اند، سنگ زیرین در آسیای شماره ۲ دارای سوراخی که در وسط آن است که یک میله آهن تعبیه شده است که به آن میزان (طبره) می گویند البته در بعضی عصارخانه ها این میله داخل یک استوانه چوبی قرار گرفته است و در وسط این میله یک میله استوانه‌ای کوچک دیگر قرار دارد که میزان را به سنگ رویی وصل می کند. ب خلاف معمولی بعضی عصارخانه‌ها وسط سوراخ سنگ رویی آسیا چوب کله که به شتر عصار ی وصل می شود قرار ندارد بلکه یک استوانه عرضی آهنی در وسط سوراخ تعبیه شده که وسط آن دهانه‌ای است و میله آهنی را در بر گرفته و سپی چوب کله که به شتر عصار ی مربوط می شود به این میله استوانه‌ای متصل می شود و در داخل آن تعبیه می گردد و چوب کله از جنس زبان گنجشک^۱ است که به یک شتر نر که بر روی آن باری مرکب از گونی، کرباس، ۲ رشته زنجیر و حلقه ای به نام سپک مهار می شد. سنگ‌ها را در راهرو عصارخانه که دور نامیده می شود حرکت می داد و و دانه های خام ساییده می شوند و بعد از آن آنها را با آب مخلوط کرده و خمیری به نام کله درست می کردند و بعد از آن کله ها به تیرخانه انتقال داده شوند.

تیرخانه

فضایی است که در آن خمیر دانه های روغنی (کله) جهت روغن گیری تحت فشار قرار می گیرد، این فضا مستطیل شکل و با سقفی مسطح از تیرهای چوبی ساخته شده و از نظر ارتفاع سقف آن بلند تر از دو فضای کناری خود می باشد، هم چنین در وسط سقف جایی که تیرها به سقف محکم شده اند بلندتر است. در انتهای آن دیوار «اسپر»^۲ قرار دارد که تیرهای روغن گیری در درون آن جای داده شده اند، این دیوار که امروزه روی آن را به جهت رطوبت آجر کشیده اند در گذشته همان صخره کوهها بوده که بدون

^۱ زبان گنجشک: درختی است خوش منظر و دارای گل‌های خوشه ای پر رنگ آبی و یا سفید. بلندیش تا ۲۰ متر می رسد و تا دویست سال عمر می کند، برگ و گل و چوب و ریشه آن خوشبو است که به عربی به آن لسان العصفیر می گویند (عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات ایل، تهران، ۱۳۶۱، ص ۴۵۵).

^۲ دیواری عظیم، محکم و بسیار بزرگ است که انتهای تیر بزرگ روغن گیری در آن قرار میگیرد این دیوار با روشهای فنی و دقیق طراحی می شود بنابر این وزن دو تیر را بدون تزلزل تحمل می کند.

خرابی و تزلزل فشار تیرها را تحمل می کرده است (تصویر ۵). تیرها در داخل کوه و از جنس چوب چنار هستند که به وسیله یک بست که گول نامیده می شود به هم پیوسته شده اند.

به طور کلی کار روغن گیری در این فضا در چند مرحله انجام می شود، به این صورت که دانه هایی در فضای آسیای شماره ۱ سائیده می شود در فضای آسیای شماره ۲ با آب مخلوط میگردند و خمیری بدست می آید که آماده روغن گیری بود. این خمیر داخل ظروف حصیری (سبدهای حصیری) به نام کویی (تصویر ۴) که از ریشه های درختان درست شده بودند می ریختند و به تیرخانه منتقل می کردند، کویی ها را درون استوانه ای به نام «تیلوه» قرار میدادند، بدنه تیلوه ها در زیر زمین با آهک سیاه و خاکستر پوشانده می شد سپس در مرحله بعد یک تیر چوبی به نام «کارماله» روی کویی ها فشار وارد می کردند و روش کار در کارماله به این صورت بود که سر کارماله یک قرقره و طنابی قرار داشت و وزنه ای سنگین به قرقره متصل بود که روی چوب شاگرد که روی کویی ها قرار داشت فشار وارد می کرد و کارماله بوسیله یک اهرم چوبی به وسیله نفر بالا می رفت و این کار از یک صبح تا ظهر انجام می شد. سپس کار را به تیرها منتقل می کردند، سر تیرها تیز قرقره هایی با دوسو راخ بزرگ قرار داشت و به جای طناب سیم به آنها متصل است که به وسیله اهرم تیرها همراه با وزنه های سنگی به وسیله کارگران با زحمت بسیار جهت روغن گیری دانه ها بالا می رفتند در زیر تیرها ۲ گودال به نام پاچال قرار دارد که درون آنها خمره هایی سفالی تعبیه شده که روغنی که بتدریج از دانه ها سرازیر می شد وارد این پاچال ها می گردید. تعداد کویی ۳۰ عدد بود که در ۲ مرحله در تیلوه قرار داده می شدند یعنی زمانی که بوسیله کارماله نصف تعداد آنها فشرده شدند، کویی های بعدی را قرار می دادند. (تصویر ۶)

انبار و اصطبل:

فضای سوم عصارخانه دو اتاق قرینه با طاق های کلمبو است که قسمت جلو، به صورت اصطبل همراه با آخور هایی جهت نگهداری شترهای تعبیه شده است. در پشت آخور نیز انبار جهت نگهداری دانه ها مورد استفاده قرار می گرفته است. امروزه هر دو قسمت به

صورت انبار استفاده می شود. این قسمت ها از طریق درهایی با ابعاد $۱/۵۰ \times ۲/۳۰$ از سمت شرق تیرخانه در ارتباط است. سقف فضای جلوی ورودی، چهاربخشی و طاق‌ها از نوع رومی می باشد. چهار طاقچه در فضای انبار تعبیه شده که در کوه کنده شده اند. شکل قرارگیری قسمت های انبار و اصطبل با آسیاها قرینه است. با این تفاوت که آسیاها از ۳ قسمت ولی انبار اصطبل از ۲ قسمت تشکیل شده است.

نتیجه گیری:

عصارخانه صالحی به عنوان بخشی از میراث صنعتی گذشته منطقه است که بر خلاف بیشتر عصارخانه های همزمان خود که در مرکز شهر و در جریان زندگی تجاری و اجتماعی مردم مانند عصارخانه های اصفهان و شهرهای اطراف آن و یا عصارخانه های دیگر فرخ شهر که در زمان های پیش تر از آن ساخته شده اند قرار ندارد و این خود نشانگر شرایط سیاسی و اجتماعی و قدرت خوانین در منطقه است که اراضی منطقه را در اختیار داشته اند.

از طرفی پژوهش‌های میدانی نشانگر آن است که سازندگان بنا شاگردان عصارخانه‌های پیشینی بوده اند که بعدها خود این عصارخانه ها را احداث می کرده و امروزه ما می توانیم ادعا کنیم که این بنا گرچه با الگو برداری از عصارخانه های متعدد در نواحی مختلف اصفهان ساخته شده اما در عین حال یک معماری منحصر به فرد بوده و تفاوت‌هایی چه از نظر شکل و فرم و هم از نظر چینش عناصر معماری با سایر عصارخانه دارد به طوری که فضای این بنا را درون گرا و صنعتی را می بینیم. موقعیت مکانی بنا و اندیشه معماران آن جهت سازگاری آن با محیط پیرامون خود که کوهستانی است در خور ستایش و تقدیر است. این بنا هم به جهت زنده نگاه داشتن روشهای سنتی-صنعتی نیاکان و هم احیاء هویت‌های فرهنگی منطقه می بایست کاربری مناسب به خود گیرد شود چرا که بدون هیچ تکلف و فضای اضافی تنها جهت پاسخگویی به نیازهای مردم بوجود آمده است و امروزه به جهت منسوخ شدن کاربری گذشته، به این بنا ها و نقش پر اهمیت آن توجهی نمی شود.

منابع:

- علی اکبر؛ دهخدا، (۱۳۵۲) لغت نامه دهخدا، جلدع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- عمید، حسن، (۱۳۶۱) فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات ایل
- نیکزاد امیرحسینی، کریم، (۱۳۵۸) شناخت سرزمین چهارمحال، اصفهان: انتشارات نشاط
- بهشتیان، عباس، (شهریور ۱۳۵۱) آثار باستانی گمنام عصارخانه های اصفهان، نشریه ماهنامه اداره کل استان اصفهان
- فرشاد، مهدی، (۱۳۶۵) تاریخ مهندسی ایران، تهران: انتشارات امیر کبیر
- قبادیان، وحید، (۱۳۸۵) بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- پیرنیا، محمد کریم، (۱۳۷۴) چفد و تاق، گردآورنده زهره بزرگمهری، تهران: سازمان میراث فرهنگی





تصویر شماره دو



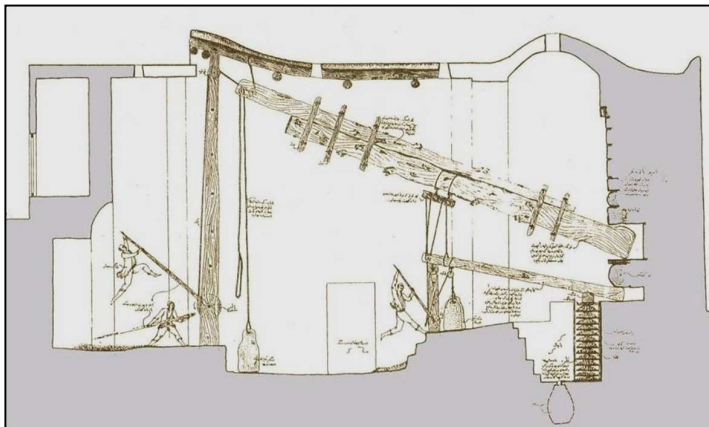
تصویر شماره سه



تصویر شماره چهار



تصویر شماره پنج



تصویر شماره شش